

شناسایی عوامل مؤثر بر تسهیل اقدامات تروریستی در شرق کشور

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۰

از صفحه ۱۳۷ تا ۱۵۲

اکبر سلیمی^۱، سروش امیری^۲، جواد کیانی^۳، عالیه سلیمی^۴

چکیده

زمینه و هدف: پدیده تروریسم یکی از معضلات امنیتی و اجتماعی استان سیستان و بلوچستان در دوره‌های مختلف تاریخ بوده است که علیرغم هزینه بالا و تلاش مستمر حکومت و نیروهای امنیتی در این حوزه، همچنان مسائل و شرایطی وجود دارد که بسترهای لازم در به وجود آمدن اقدامات تروریستی را فراهم می‌کند. در همین راستا، هدف تحقیق حاضر، شناسایی عوامل تسهیل‌کننده اقدامات تروریستی در شرق کشور با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان است.

روش: این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، کمی از نوع پیمایشی است و داده‌ها به وسیله پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. جامعه آماری شامل ۸۷ نفر از افسران نیروی انتظامی به صورت تمام شمار بودند که بیش از ۴ سال در مشاغل انتظامی و مرزبانی استان سیستان و بلوچستان خدمت کرده و هر کدام، حداقل یک مورد از اقدامات تروریستی گروهک‌های ضدانقلاب را در آن استان از نزدیک تجربه کرده‌اند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و به صورت توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد دو دسته عوامل موقعیتی (سرزمینی و مرزی) و ماهیتی (فرهنگی و اجتماعی) به‌عنوان عوامل مؤثر تسهیل‌کننده اقدامات تروریستی در سیستان و بلوچستان هستند که در این میان، عوامل مربوط به موقعیت مرزی با میانگین ۴/۳ درصد و وضعیت فرهنگی با میانگین ۴/۱، بیش‌ترین تأثیر را در تسهیل اقدامات تروریستی در استان داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش، برای پیشگیری و کاهش عوامل مؤثر بر تسهیل اقدامات تروریستی در استان سیستان و بلوچستان، از بعد موقعیتی، انجام اقدامات تأمینی لازم در کانون‌های بسترساز این اقدامات و تعامل با کشور مقابل جهت جلوگیری از پناه گرفتن تروریست‌ها در مرزهای آن کشور و از بعد ماهیتی، ایجاد همگرایی‌های قومی، دینی و فرهنگی، هم‌سو کردن دیدگاه مردم و مسئولان در خصوص مبارزه با تروریسم و عدم حمایت از آن‌ها مؤثر است.

کلید واژه‌ها: عوامل تسهیل‌کننده، اقدامات تروریستی، شرق کشور، سیستان و بلوچستان، موقعیت.

استناد: سلیمی، اکبر؛ امیری، سروش؛ کیانی، جواد و سلیمی، عالیه (زمستان ۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر تسهیل اقدامات تروریستی در شرق کشور. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۴(۵۶)، صص ۱۵۲-۱۳۷.

۱. استادیار مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول: salimo.1391@yahoo.com

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، soroush.jnu@gmail.com

۳. مربی مرزبانی دانشگاه علوم انتظامی امین، Kiani.javad2014@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری دانشگاه الزهراء، Aliye.salimi@yahoo.com

مقدمه

تروریسم تهدیدی مورد اهتمام برای صلح جهانی به شمار می‌آید؛ تهدیدی که مبانی عمیق و مصادیق گسترده دارد و به‌طور روزافزون، بردامنه و پیچیدگی آن افزوده می‌شود. یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی جامعه جهانی و بین‌المللی، گسترش روزافزون عملیات و اقدامات تروریستی است که تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود. این پدیده هولناک در شکل‌های سازمان‌یافته و معمولاً فراملی رخ می‌دهد. خطرهای ناشی از تروریسم نوین بیش از جرائم انفرادی است و مقابلهٔ ثمربخش با آن بدون اشراف اطلاعاتی کامل و دقیق غیرقابل تصور است (قیطاسی و اسدالهی، ۱۳۹۶، ص ۲۷).

با ورود به عصر پست‌مدرنیسم و عینیت یافتن مفاهیمی چون جهانی‌شدن، اقدامات تروریستی در مرزهای ملی محصور نمانده است، بلکه گسترش مسافرت‌های هوایی، انقلاب ارتباطات و جهان بدون مرز، شرایطی را پدید آورده است که می‌تواند مورد سوءاستفادهٔ تروریست‌ها قرار بگیرد. امروزه تروریست‌ها با جلب مساعدت هم‌پیمانان فرامرزی خود و با تکیه بر ارتباطات و شبکه‌های مالی بین‌المللی می‌توانند تقریباً در هر کجا که بخواهند اقدامات تروریستی خویش را سازمان‌دهی کنند و به اجرا بگذارند. شاهد این مدعا حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است که در کشوری رخ داد که در واقع دارای یکی از پیچیده‌ترین و قوی‌ترین سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی در جهان است. رویداد فوق‌گواه این مطلب است که تروریست‌ها هرگاه بخواهند می‌توانند امنیت کشورها و در نهایت امنیت جهانی را به خطر بیندازند. این امر موجب کاهش وزن ژئوپلیتیک کشورها و ایجاد بحران ژئوپلیتیک در سطح جهان می‌شود (افضلی، افضلی‌زاده، پویان، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶). به بیان دیگر، در عصر ما، تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی بین‌المللی و جهانی تبدیل شده است و حتی این نگرانی وجود دارد که با گسترش آن، صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره بیفتد. تروریست‌ها همگام با روند جهانی‌شدن، پیشرفت کرده‌اند، اما هرگز در قیدوبندهای بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نیامده‌اند (نایب‌پور و نایب‌پور، ۱۳۹۱، ص ۳۱). از این‌رو، هیچ دولت یا ملتی از اقدامات آن‌ها در امان نمی‌ماند.

گروه‌های تروریستی با انگیزه‌های گوناگون دست به عملیات تروریستی می‌زنند و نگرانی از احتمال وقوع این‌گونه عملیات بیشتر می‌شود. لذا گسترش تروریسم در جوامع، پژوهشگران و حاکمیت را مجبور می‌کند یک بار دیگر، رابطهٔ بین جامعه و خشونت

سیاسی، ناکارآمدی نخبگان سیاسی و عوامل بیرونی را بررسی کنند و بیشتر بر مفهوم‌سازی تروریسم مبتنی بر تقاطع بین دو نوع ویژگی تاکتیک و استراتژی تکیه کنند (کینان^۱، ۱۹۸۷، ص ۴۶). تروریسم می‌تواند بخشی از چرخه‌ها و روند ناآرامی‌ها در سیستم جهانی (لیزردو^۲، ۲۰۰۸، ص ۱۱۶) و زاییده کاهش نقش دولت‌ها در حفظ حاکمیت و اقتدار باشد. با شروع فرآیند کاهش نقش دولت، آسیب‌پذیری حاکمیت‌ها افزون‌تر شده، از میزان وفاداری شهروندان به حاکمیت کاسته شده، هویت‌های ملی تضعیف شده و آموزش از خارج و کسب دستورات لازم و تبادل تسلیحات نیز تسهیل شده است. وجود چنین شرایطی باعث شده که عده‌ای وجود دولت‌های ضعیف و ناتوان را از دلایل قطعی بروز تروریسم بدانند (بجورگو^۳، ۲۰۰۵، ص ۲۵۶).

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، ایران مورد خشم و خصومت قدرت‌های حامی گروهک‌های تروریستی و تروریسم قرار گرفته و در حال حاضر نیز با گذشت بیش از ۴۰ سال از زمان پیروزی انقلاب، ترور با اشکال متفاوت دیگر بروز و ظهور پیدا کرده است و باعث کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از مسئولان و مردم بی‌گناه شده است؛ به‌گونه‌ای که شهدای ترور کشورمان بیش از ۱۷ هزار نفر است (امیری، زرگر و علاقه‌مند، ۱۳۹۷، ص ۶۳). استان سیستان و بلوچستان استان نیز به عنوان یکی از استان‌های پهناور کشور، در طول تاریخ همواره از سوی گروهک‌های تروریستی با مشکلات امنیتی و انتظامی مواجه بوده است. ریشه و بنیان مشکلات مذکور این استان را باید در موارد زیادی از جمله همسایگی با دو کشور تروریست‌خیز افغانستان و پاکستان، موقعیت ترانزیتی و تجارت مواد مخدر، ویژگی‌های توپوگرافیک، محرومیت اجتماعی و اقتصادی و غیره جستجو کرد (موسوی، قاسم‌زاده بجندی، فنازاد، کیانی، ۱۳۹۶، ص ۸۹).

بررسی روند گذشته، به همه دست‌اندرکاران نظام جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های امنیتی کشور توصیه می‌کند که در آینده، موارد مشابه آن نیز اتفاق خواهد افتاد. وجود احساس ناامنی‌های اخیر ابرقدرت‌ها از توانمندی‌ها و نفوذ جمهوری اسلامی ایران، ضریب احتمال وقوع این‌گونه اقدامات را بیشتر نشان می‌دهد و این نکته مهم و راهبردی است که نباید از آن غافل شد. با در نظر گرفتن این موضوع، نویسندگان با بیان

1. Keenan

2. Lizardo

3. Bjorgo

این مسئله که عوامل مؤثر بر تسهیل اقدامات تروریستی در شرق کشور (استان سیستان و بلوچستان) کدام‌اند؟ به نگارش مقاله حاضر پرداخته‌اند. ضرورت و اهمیت این تحقیق در این است که با انجام آن، ضمن تولید علم بومی متناسب با جامعه ایرانی و خاصه استان سیستان و بلوچستان، عوامل مؤثر بر تسهیل اقدامات تروریستی در این استان شناسایی و راهکارهای مؤثر برای مبارزه با این اقدامات ارائه خواهد شد.

تروریسم و آسیب‌های زیان‌بار آن به دلیل ارتباط مستقیم با صلح و امنیت جهانی، در دو سطح کلان و خرد از طرف کشورها مورد پیگیری قرار می‌گیرد. در سطح کلان که مربوط به سازمان‌های بین‌المللی است، در دهه‌های گذشته نشست‌ها، کنفرانس‌ها و سمینارهای متعددی از طرف سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی در ارتباط با موضوع تروریسم برگزار شده است و اما در سطح خرد که در حوزه کشورهای آسیب‌پذیر و مورد حمله تروریسم پیگیری می‌شود، می‌توان به کشور جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که این موضوع در ایران نیز در دو بعد خصوصی و عمومی مورد ارزیابی و تبیین قرار می‌گیرد. در بعد خصوصی باید به نشست‌ها و جلسات سازمان‌های امنیتی و انتظامی اشاره کرد که در آن فقط مسئولان و مقامات ذی‌ربط در خصوص موضوع فوق تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری لازم را انجام می‌دهند و در بعد عمومی نیز برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های دانشگاهی و علمی است که به‌صورت عمومی به بررسی موضوع تروریسم و ریشه‌های شکل‌گیری آن می‌پردازند. لذا با توجه به اهمیت موضوع، به تعدادی از مطالعاتی که در مجامع علمی مورد بررسی قرار گرفته شده است، اشاره می‌شود.

عباسی شوازی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه جغرافیا و امنیت با تأکید بر نقش و کار ویژه انتظامی»، نتیجه گرفته است که عوامل جغرافیایی به همان میزان که در شکل‌گیری سیاست و مقوله سیاست‌گذاری از مفهوم کلان آن تأثیرگذارند، بر امنیت و سیاست‌گذاری امنیتی نیز تأثیر دارند و بخشی از این امور، ویژه نیروی‌های انتظامی در ارتباط مستقیم با جغرافیا و مقولات جغرافیایی است. همچنین، ایزدی و دبیری (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان «ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران»، بیان داشته است بنیادهای زیستی ضعیف، فاصله زیاد از مرکز سیاسی حکومت، وجود عوارض جغرافیایی وسیع، توسعه نامتوازن منطقه‌ای، تفاوت قومی-مذهبی با حکومت مرکزی، مرزی بودن و ضعف شبکه ارتباطی و غیره به عنوان عوامل درون‌زا و تعدادی از عوامل

ژئوپلیتیکی مانند ویژگی‌های حکومت‌های همسایه، قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و ژئوپلیتیک مواد مخدر به عنوان عوامل برون‌زا دارای بیش‌ترین میزان اثرگذاری در شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی در جنوب شرقی کشور است. فتحی (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ماهیت، زمینه‌ها و اهداف تروریسم مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، نشان داده است تروریسم، یک کنش و پدیده ضد اخلاقی- انسانی و کنش مجرمانه است که تابع زمینه‌ها و دلایل مختلف سیاسی، مذهبی، اجتماعی، قومی و تاریخی است. تروریسم با نگاه جاهلیت، یک پدیده نسبی‌گرایانه و یک کنش ذات‌گرایانه است. از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، غرب در مفهوم تروریسم، گزینشی عمل می‌کند که یک نگاه جاهلیتی است.

موسوی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «اقدامات گروهک‌های تروریستی در مرزهای استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای پیشگیرانه»، به این نتیجه رسیده‌اند که اشراف اطلاعاتی، استفاده از منابع فنی، تقویت هماهنگی بین دستگاه‌ها و نهادهای امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی در حوزه مرز و تجهیز یگان‌های مرزی دورافتاده و در معرض تهدید به امکانات فنی جهت رصد دائمی تحرکات گروهک می‌تواند به عنوان راهکارهای امنیتی در جهت جلوگیری از حوادث تروریستی کارساز باشد. ایمانی و برزگر (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «سازهانگاری و ریشه‌های تروریسم در پاکستان»، به موضوع ماهیت تروریسم در کشور پاکستان پرداخته و بیان داشتند از دیدگاه سازهانگاران، فرهنگ و جامعه پاکستان نقش عمده‌ای در ساختن هویت و ایده‌ها و هنجارها و ارزش‌های گروه‌هایی دارد که دست به اقدامات تروریستی می‌زنند یا افرادی که تروریست خوانده می‌شود، دارد. مهم‌ترین دستاورد این مقاله، فهم ادراکی از شناخت عواملی بود که در ساختن هویت گروه‌های تروریستی نقش داشت و باعث تحریک و اقدام آن‌ها علیه دیگران قرار می‌گرفت. همچنین، امیری، کیانی، عبدالعلی پور و اسدی‌فرد (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نسبت نظریه‌های روان‌شناختی سیاسی و اجتماعی با ظهور و بروز گروه تروریستی داعش»، به این نتایج دست یافتند که متفکرانی که بحران روان‌شناختی اجتماعی، هویت، بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران نوسازی و غیره را علت اصلی ایجاد جنبش‌های اسلام‌گرایانه می‌دانند و با رفع این بحران‌ها انتظار دارند که جریان خشونت‌طلب، دچار رکود و سستی شود، لذا خاستگاه زیستی - روانی گروه بحران، هویت است.

آستین^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «جامعه‌شناختی تروریسم»، با یادآوری ریشه‌های اجتماعی و پویایی تروریسم بیان می‌دارد محتمل‌ترین کانون‌های مطالعات جامعه‌شناختی تروریسم را «ساختار اجتماعی تروریسم، تروریسم به عنوان خشونت سیاسی، تروریسم به عنوان ارتباط، سازماندهی تروریسم، معاشرت تروریست‌ها، کنترل اجتماعی تروریسم و نظریه‌پردازی تروریسم می‌داند. ربولکسی^۲ (۲۰۰۶) نیز در تحقیقی با عنوان «تحولات انقلابی آسیای مرکزی و تأثیر آن بر مرزهای شمال شرقی ایران» به این نتیجه رسیده است که در پی انقلاب بلشویکی روسیه و حکم‌فرمایی روس‌های کمونیست بر سرحدات روسیه تزاری قدیم در شمال مرزهای ایران، مرزهای شمال شرقی و ایلات خراسان نیز از تأثیرات بنیادی حاصله در مرزهای خاک همسایه خود در امان نماندند. در این میان، حضور نیروهای انگلیسی هم خود زمینه‌ساز مشکلات دیگری شد. این اثر را با توجه به ریشه‌های مشترک معرفت‌شناسی جریان‌های تروریستی، فرهنگی، اجتماعی درون بعدی و پیشران‌های برون بعدی می‌توان در راهبرد مطالب مقاله حاضر مورد استفاده قرار داد.

به‌طور کلی، امروزه یکی از عمده‌ترین مسائلی که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند، مسئله تروریسم است. تروریسم، از چالش‌های جدی امنیتی در دوران جهانی‌شدن شمرده می‌شود که بر ناامنی‌های جهانی افزوده است. همچنین، این پدیده به سبب پیوند آن با فناوری‌های نوین، به یک گرفتاری راهبردی تبدیل شده و توانسته است گروه‌های کوچک اما با ساختارهای پیچیده را به بازیگران برجسته در پهنه بین‌المللی تبدیل کند. البته به منظور ریشه‌یابی تروریسم، در کنار مسائل عینی مانند خشونت سیاسی، به مسائلی همچون بی‌عدالتی و نابرابری در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز باید توجه کرد. مبارزه با تروریسم، مستلزم شناخت زمینه‌ها و عواملی است که تروریسم در آن‌ها ریشه دارد و برای شناخت همه‌جانبه این عوامل و یافتن راه‌حل اصولی، اتخاذ یک روش معقول و جهان‌شمول ضروری است.

تروریسم عبارت است از هرگونه خشونتی که دولت یا گروهی سازمان‌یافته، آن را به قصد تحقق بخشیدن به انگیزه‌های تبلیغی سیاسی یا نظامی خود در حق بی‌گناهان و به

1. Austin
2. Rebouleski

هزینه طرف مقابل خود انجام می‌دهند. تروریسم قبل از هر چیز، نوعی تفکر منفی و رفتار بیماران مبتلا به اختلال رفتاری نابجا و تداوم این بیماری به کوتاه‌نگری و هوش پایین است که به نوبه خود نشان‌دهنده ضعف در استعدادهای قوه عقل و رفتارهای درونی است (صفوی و فرشچی، ۱۳۹۰، ص ۴۱). الکسی اشمید معتقد است که تعریف واژه‌هایی مانند تروریسم را نمی‌توان منفک از موضوع مرجع تعریف‌کننده‌اش دانست. شاید بتوان گفت که تفاوت چندانی میان دو مفهوم وجود ندارد، جز اینکه تروریسم آن حالت سازماندهی شدن، مکتب شدن، رویه شدن و روشمند شدن همان ترور است. به عبارت دقیق‌تر، تروریسم، نظریه‌مند شدن اقدام ترور و در واقع یک عمل تروریستی است و جریان‌ی است که می‌کوشد به کمک نظامی، از هراس‌افکنی و وحشت‌پراکنی مبتنی بر قهر و زور، دیدگاه‌های خویش را پیش ببرد. معیار دیگری که می‌توان براساس آن تروریسم را از ترور تمیز داد، نوع و آماج اهداف انتخاب‌شده است. بر این اساس، ترور نوعی عمل غافلگیرانه و ناگهانی برای از پای درآوردن مخالف و دشمن است. اما تروریسم با جوهره سیاسی، اجتماعی و عمل فراتر از قتل غافلگیرانه تعریف می‌شود (اشمید^۱، ۱۹۸۸، ص ۴۵؛ به نقل از امیری و همکاران، ۱۳۹۷).

مطالعاتی که درباره تروریسم انجام شده است، نشان می‌دهد بین تروریسم و نابرابری، پیوند نزدیکی وجود دارد. هر چقدر نابرابری و تبعیض در زمینه‌های مختلف اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، نژادی، قومی و غیره بیشتر باشد، احتمال بروز اعمال خشونت‌آمیز از جمله ترور نیز بیشتر می‌شود. تد رابرت‌گر در بررسی ریشه‌های اقتصادی تروریسم به این نتیجه می‌رسد که فقر به تنهایی نمی‌تواند از ریشه‌های تروریسم به حساب آید. مطالعات وی نشان می‌دهد که تروریسم در هر کجا می‌تواند بروز کند، اما احتمال وقوع آن در جوامع در حال توسعه بیشتر از کشورهای غنی یا فقیر است. بر همین اساس، می‌توان گفت کشورهایی که مدرنیزاسیون سریعی را تجربه می‌کنند، بیشتر شاهد تروریسم هستند. تغییرات اقتصادی نیز شرایطی را به وجود می‌آورد که برای بروز بی‌ثباتی و ظهور جنبش‌های مختلف خصوصاً حرکت‌های شبه‌نظامی و ایدئولوژیک افراطی مناسب هستند. اعضای فعال گروه‌های تروریستی عموماً جوانان فقیر و تحصیل‌نکرده می‌باشند؛ لذا

1. Schmid

نابرابری‌های شکل‌گرفته در یک کشور می‌تواند زمینه مناسبی برای جنبش‌های سیاسی خشونت‌آمیز به شکلی کلی و تروریسم در شکل ویژه آن است (قادری، ۱۳۹۰، ص ۲۷۸).

نظریه‌های جامعه‌شناسانه به این موضوع می‌پردازند که چگونه عوامل خارجی مانند شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی بر رفتارهای فردی یا گروهی تأثیر می‌گذارند و در برخی موارد، منجر به بروز خشونت می‌شوند. طبق نظریه کنترل اجتماعی، پیدایش کجروی معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۳۹۱). گور نیز علت اصلی انقلاب را در به وجود آمدن احساس محرومیت نسبی یا احساس بی‌عدالتی نسبی می‌داند. از طرفی، کورپی معتقد است که هر چه تعداد افراد بیشتری در جامعه احساس محرومیت و بی‌عدالتی نسبی داشته باشند و هر چه هزینه دستیابی به هدف (احتمال دستگیری، مجروح یا کشته شدن) کمتر باشد، در آن صورت، فایده بسیج و انقلاب از نظر مردم بیشتر می‌شود. براساس نابرابری اجتماعی، مهم‌تر از نابرابری اجتماعی و اقتصادی، احساس ذهنی اعضای جامعه و ادراک آن‌ها از نابرابری است. اگر مردم نابرابری را منفی ارزیابی کنند، در آن صورت تحت شرایطی احساس بی‌عدالتی نسبی یا محرومیت نسبی به وجود می‌آید و این کمک‌کننده شورش خواهد بود. فرضیه محرومیت نسبی به تلاش‌های جامعه‌شناختی در تبیین بسیج سیاسی جمعی و خشونت تعلق دارد. این فرضیه مدعی است که بسیج جمعی، تروریسم یا جنگ داخلی زمانی بروز پیدا می‌کنند که مردم از منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که به آن‌ها تعلق دارند، احساس محرومیت کنند. مردم ممکن است وقتی احساس محرومیت نسبی کنند که وضعیت خودشان را با وضعیت افراد دیگر در جامعه مقایسه کنند یا به دلیل شکلی از توسعه موقت، بازه‌ای از گسترش حقوق و مزایا به دنبال دوره‌ای از کساد و رکود آمده باشد. به‌طور کلی، نظریه محرومیت نسبی و نظریه‌های مشابه، ارتباط میان احساس محرومیت و بروز تروریسم را در سطح ملی مورد توجه قرار می‌دهند. حال آنکه امروزه سطح آگاهی همگانی از شرایط جهانی افزایش یافته است و به همین علت، مفهوم امنیت ملی به کلی تغییر کرده است (مظفری و ضمیریان، ۱۳۹۰، ص ۲۹۱).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و برحسب نحوه اجرا، کمی از نوع پیمایشی است. داده‌های موردنظر در بخش مبانی نظری از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و در بخش تجزیه و تحلیل یافته‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته به صورت سؤالات بسته و شامل ۲۰ گویه از نوع طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت انجام گرفت. روایی پرسشنامه به صورت صوری با استفاده از خبرگان حوزه مربوطه و پایایی آن براساس آلفای کرونباخ، ۰/۷۹ محاسبه شد. جامعه آماری شامل ۸۷ نفر از افسران نیروی انتظامی است که بالغ بر ۴ سال در استان سیستان و بلوچستان در مشاغل انتظامی و مرزبانی خدمت کرده‌اند و هر کدام حداقل یک مورد از اقدامات تروریستی گروهک‌های ضدانقلاب را در آن استان از نزدیک تجربه کرده‌اند و به صورت تمام شمار انتخاب شدند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و به صورت توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و برای اولویت‌بندی عوامل شناسایی شده از آزمون فریدمن استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱- توصیف سیمای جامعه آماری تحقیق

اطلاعات جمعیت شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
زیر ۱۰ سال	۴۷	۰/۵۴
بین ۱۰ تا ۲۰ سال	۳۱	۰/۳۷
بالای ۲۰ سال	۱۰	۰/۱۲
دیپلم	۱۹	۰/۲۱
فوق دیپلم	۲۶	۰/۳۲
کارشناسی	۳۵	۰/۳۸
کارشناسی‌ارشد	۷	۰/۰۹
افسر جزء یا رتبه هم‌تراز	۵۹	۰/۸۱
افسر ارشد یا رتبه هم‌تراز	۱۸	۰/۱۹
جمع	۸۷	۰/۱۰۰

برابر جدول ۱، سابقه خدمت جامعه آماری پژوهش، ۵۴ درصد کمتر از ده سال، ۳۷ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۹ درصد بالای ۲۰ سال سابقه خدمت در ناجا داشته‌اند. در متغیر تحصیلات، کارشناسی‌ارشد با ۹ درصد کمترین و کارشناسی با ۳۸ درصد

بیش‌ترین فراوانی را داشته‌اند. در بین پاسخ‌دهندگان، حدود ۸۱ درصد افسر جزء و ۱۹ درصد افسر ارشد بوده‌اند.

جدول ۲- توصیف میانگین مؤلفه‌ها و شاخص‌های عوامل موقعیتی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	درصد پاسخ به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد
موقعیت سرزمینی	دور بودن استان از مرکز کشور	۴/۵	۰/۵۶	٪۸۶
	دو تکه بودن جمعیت استان از نظر ماهوی	۴/۱	۰/۵۹	٪۸۲
	پراکندگی جمعیت استان	۴/۲	۰/۶۲	٪۷۹
	وضعیت خشن توپوگرافی استان	۳/۹	۰/۸۳	٪۷۷
	وسیع بودن جغرافیای استان	۴/۸	۰/۷۷	٪۹۱
موقعیت مرزی	ضعف مدیریت طرف مقابل بر مرز	۴/۴	۰/۸۱	٪۸۸
	ارتباطات مختلف مردم استان با مردم آن‌سوی مرز	۳/۱	۰/۶۹	٪۶۸
	داشتن مرزهای خاکی و آبی طولانی	۴/۱	۰/۸۶	٪۸۵
	صعب‌الخدمت بودن مرزها	۴/۱	۰/۷۸	٪۸۹
	تفاوت نگاه مردم استان و مسئولان به مرزها	۴/۰۰	۰/۶۵	٪۸۲
	موقعیت سرزمینی	۴/۳	۰/۶۷۴	٪۸۳
	موقعیت مرزی	۳/۹۴	۰/۷۵۸	٪۸۲

با توجه به اینکه نمونه، تمام شمار بوده است، از شاخص‌های مرکزی که به بهترین شکل، ویژگی گروه را به عنوان یک کل نشان می‌دهد، استفاده شده است. جدول ۲، شاخص‌های مرکزی عوامل موقعیتی و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن را نشان می‌دهد که مؤلفه موقعیت سرزمینی با میانگین ۴/۳ و انحراف معیار ۰/۶۷۴ و مؤلفه موقعیت مرزی با میانگین ۳/۹۴ و انحراف معیار ۰/۷۵۸، وضعیت کلی عوامل موقعیتی را نشان می‌دهد.

جدول ۳- توصیف میانگین مؤلفه‌ها و شاخص‌های عوامل ماهیتی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	درصد پاسخ به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد
عوامل فرهنگی	تسلط فرهنگ عشیره و ایل‌ها	۳/۹	۰/۶۷	٪۶۹
	توسعه فرهنگی نامتوازن در ابعاد مختلف در سطح استان	۳/۶	۰/۷۸	٪۶۰
	سوءاستفاده دشمنان از القانات مذهبی گمراه‌کننده	۴/۶	۰/۷۹	٪۹۳
	وجود بنیادهای فرهنگی زیاد و متعارض در استان	۴/۴	۰/۸۰	٪۸۹
	وابستگی به زندگی سنتی در بسیاری از نقاط استان	۴/۰۰	۰/۶۸	٪۷۲
عوامل اجتماعی	وجود مسائل فومی مابین مردم شیعه و سنی	۴/۱	۰/۸۷	٪۸۶
	هماهنگ نبودن تفکر مسئولین امنیتی با بخشی از مردم استان در امر مبارزه با تروریست‌ها	۴/۸	۰/۸۵	٪۹۲
	مشکل اشتغال و امثالهم در بین جوانان استان	۳/۸	۰/۷۲	٪۷۱
	عدم دسترسی مردم به امکانات جدید زندگی	۳/۵	۰/۶۸	٪۶۱
	وجود نگاه واگرایانه در برخی مردم استان	۴/۱	۰/۶۹	٪۸۹
	عوامل فرهنگی	۴/۱	۰/۷۴۴	٪۷۶/۶
	عوامل اجتماعی	۴/۰۶	۰/۷۶۲	٪۷۹/۸

جدول ۳، شاخص‌های مرکزی عوامل ماهیتی و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن را نشان می‌دهد که مؤلفه عوامل فرهنگی با میانگین ۴/۱ و انحراف معیار ۰/۷۴۴ و مؤلفه عوامل اجتماعی با میانگین ۴/۰۶ و انحراف معیار ۰/۷۶۲، وضعیت کلی عوامل ماهیتی را نشان می‌دهد.

جدول ۴- نتایج آزمون فریدمن

رتبه	مؤلفه‌های تحقیق		
۴/۹۲۴۱	موقعیت مرزی	عوامل موقعیتی	
۴/۰۰۳۲	موقعیت سرزمینی استان		
۴/۰۵۴۳	وضعیت فرهنگی	عوامل ماهیتی	
۳/۷۲۲۲	وضعیت اجتماعی		
سطح معناداری = ۰/۰۰۰	درجه آزادی = ۲	خی‌دو = ۸۸/۵۹۹	تعداد = ۸۷

برای شناسایی عواملی که بیش‌ترین یا کمترین تأثیر را در تسهیل اقدامات تروریستی در استان سیستان و بلوچستان داشته‌اند از آزمون فریدمن استفاده شد که مطابق با جدول ۴، عوامل موقعیت مرزی با ۴/۹۲ بیش‌ترین تأثیر و عوامل وضعیت اجتماعی با ۳/۷۲، کمترین تأثیر را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از معضلات امنیتی و اجتماعی استان سیستان و بلوچستان در دوره‌های مختلف تاریخ، وجود پدیده ناامنی بوده که در سالیان اخیر، تحت عنوان «تروریسم و وقایع تروریستی» معروف است. این وقایع خشن و بی‌رحمانه، اگرچه در دیگر مکان‌های ایران دیده شده است، اما نرخ وقوع و شدت آن در استان س و ب به مراتب بیشتر از سایر مناطق کشور بوده است و خسارات و هزینه‌های بسیار بالایی را در ابعاد گوناگون بر نظام ج.ا.ا و سازمان‌های امنیتی آن تحمیل کرده است. با وجود صرف هزینه‌های بالا و تلاش مستمر و مضاعف حکومت و نیروهای امنیتی در این حوزه و کاهش مشکلات امنیتی در وضعیت فعلی در منطقه س و ب، چون احتمال بروز چنین وقایعی در آینده در این منطقه متصور است، بنابراین تحقیق حاضر با هدف شناسایی عوامل تسهیل‌کننده اقدامات تروریستی در مناطق شرق کشور با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان و به‌منظور شناسایی راهکارهای جدی‌تر مبارزه با این پدیده

شوم در این استان انجام شده است.

براساس یافته‌ها و نتایج تحقیق، در ارتباط با عوامل مربوط به موقعیت‌های سرزمینی و مرزی استان، مشخص شد که شاخص‌های وسیع بودن جغرافیای استان، دور بودن استان از مرکز کشور، ضعف مدیریت طرف مقابل بر مرز، پراکندگی جمعیت استان، بیش‌ترین تأثیر را بر حضور و مانور تروریست‌ها در استان دارند. در توجیه این یافته می‌توان گفت که دور بودن از مرکز و وسیع بودن جغرافیا و پراکندگی جمعیت استان در مجموع، موقعیتی خاص را برای هر گروه معاند از جمله تروریست‌ها به وجود آورده که به مثابه حیاط خلوت آن‌ها محسوب می‌شود و به آن‌ها این قابلیت را می‌دهد تا با فراغ بال و خاطر جمعی بیشتری در مقایسه با سایر نقاط کشور در راستای اهداف خود فعالیت کنند و کم‌کاری مرزبانان پاکستانی نیز به موقعیت خاص به وجود آمده کمک می‌کند تا هر موقع که اراده کنند از طریق مرز به هر دو طرف تردد کنند. ضمناً زاهدان در میان ۳۱ مرکز استان، بیش‌ترین فاصله (۱۶۰۵ کیلومتر) را با مرکز سیاسی کشور دارد و چابهار و کنارک نیز دورترین شهرستان‌های کشور به تهران هستند. از طرفی، فاصله سکونتگاه‌ها در استان سیستان و بلوچستان بیش از ۶۰ کیلومتر است که سه برابر متوسط ملی است. این یافته با نظریهٔ پروفیسور آستین (۲۰۰۴) و تد رابرت‌گر که وقوع جرم را نتیجهٔ نابرابری و تبعیض در زمینه‌های مختلف اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، نژادی و قومی و عدم توازن میان محرک‌های فعالیت تبهکارانه و کنترل‌های اجتماعی یا فیزیکی بازدارندهٔ آن می‌دانند و با نظریهٔ محرومیت نسبی که علت اصلی ناراضی‌ها را در به وجود آمدن احساس محرومیت فرض می‌کند، مطابقت دارد.

در مبحث مربوط به عوامل ماهیتی، نتایج بررسی مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی مشخص کرد که شاخص‌های هماهنگ نبودن تفکر مسئولان امنیتی با بخشی از مردم استان در امر مبارزه با تروریست‌ها، سوءاستفادهٔ دشمنان از القائات مذهبی گمراه‌کننده، وجود بنیادهای فرهنگی زیاد و متعارض در استان و وجود نگاه واگرایانه در برخی مردم استان، بیش‌ترین تأثیر را در پدیدهٔ تروریستی دارند. مفهوم گویه‌های مذکور بیانگر این واقعیت است که وجود مشکلات و مسائل فرهنگی و فکری در مردم استان به رشد پدیدهٔ تروریست استان کمک می‌کند. این یافته با نظریهٔ نابرابری اجتماعی که احساس ذهنی اعضای جامعه را سبب ناراضی‌ها می‌کند، متناسب بوده و همخوانی دارد.

در بحث اولویت‌بندی عوامل مورد بررسی، نتیجه بررسی‌ها بیانگر این مطلب بود که در بین چهار عامل مورد مطالعه، به ترتیب عوامل مربوط به موقعیت مرزی، وضعیت فرهنگی، موقعیت سرزمینی و در نهایت وضعیت اجتماعی، بیش‌ترین عواملی بوده‌اند که به حضور و اقدام تروریست‌ها در استان کمک کرده‌اند. در مجموع، از دلایل ریشه‌ای شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها می‌توان به مواردی از قبیل ضعف دموکراسی، ضعف ساختارهای امنیتی و وجود نهادهای موازی، ضعف حکومت‌داری مناسب، فقدان عدالت اجتماعی، حمایت واحدهای بین‌المللی از گروه‌های رادیکال، توزیع نابرابر ارزش‌ها، شکاف بین دولت و ملت، حفره‌های دولتی و خارج از کنترل، هژمونی در نظام بین‌الملل، جهانی‌شدن فرهنگ و اقتصاد و مدرنیسم مخرب اشاره کرد.

با توجه به یافته‌ها و نتایج تحقیق، مواردی در قالب پیشنهاد به منظور مبارزه جدی‌تر با پدیده شوم اقدامات تروریستی در استان سیستان و بلوچستان ارائه می‌شود.

- توجه ویژه به سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در استان س و ب و از بین بردن فقر و کاهش آسیب‌های مالی که بسترساز عضویت جوانان به این گروه‌های تروریستی است؛

- ایجاد پیمان‌های امنیتی - انتظامی مرزی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در مقابله با تروریسم؛

- اتخاذ تدابیر لازم در مسدود کردن دسترسی تروریست‌ها به منابع مالی هم در درون کشور و هم در کشورهای همسایه؛

- کنترل و نظارت بر تردد اقوام دو سوی مرز و پایش اطلاعاتی در خصوص افراد سابقه‌دار در بین این اقوام؛

- انجام اشراف اطلاعاتی لازم از طرف نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در جهت شناسایی گروهک‌ها و بسترهای پدیدآورنده تروریسم؛

- تولید و پخش برنامه‌های مناسب در راستای آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی به مردم استان در جهت تبعات عضویت در گروه‌های تروریستی از طریق رسانه ملی و استانی؛

- انجام اصلاحات جدی در حوزه مسائل فرهنگی از طریق نشست‌های دوره‌ای از طرف مسئولان استان و روسای قبایل و ریش‌سفیدان در جهت همگرایی قومی و مذهبی؛

- ریشه‌کنی بی‌سوادی در جهت مبارزه با تروریسم و انجام نشست‌ها و همایش‌های علمی مبارزه با تروریسم در بین اساتید و نخبگان دانشگاهی استان.

منابع

منابع فارسی

- افضلی، رسول؛ افضلی‌زاده، سلمان و پویان، داوود (۱۳۹۰). ژئوتروریسم؛ رویکردی جغرافیایی به تروریسم. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*. ۱۵(۱)، صص ۱۲۳-۱۰۵. بازیابی از: <http://journals.modares.ac.ir/index.php>
- امیری، سروش؛ زرگر، علیرضا و علاقه‌مند، علی (پاییز ۱۳۹۷). نقش پلیس‌های تخصصی در مقابله با تروریسم. *مطالعات بین‌المللی پلیس*. ۹(۳۵)، صص ۵۸-۸۱. بازیابی از: http://interpol.jrl.police.ir/article_91813.html
- امیری، سروش؛ کیانی، جواد؛ عبدالعلی‌پور، قادر و اسدی‌فرد، محمد (تابستان ۱۳۹۷). نسبت نظریه‌های روان‌شناختی سیاسی و اجتماعی با ظهور و بروز گروه تروریستی داعش. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*. ۱۳(۵۰)، صص ۵۲-۳۱. بازیابی از: http://icra.jrl.police.ir/article_18848.html
- ایزدی، حسن و علی‌اکبر دبیری (بهار ۱۳۹۲). ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران. *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلتیک*. ۹(۲۹)، صص ۱۲۶-۹۱. بازیابی از: http://journal.iag.ir/article_56045.html
- ایمانی، مهدی و برزگر، کیهان (بهار ۱۳۹۸). سازه‌نگاری و ریشه‌های تروریسم در پاکستان. *فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی و کلامی*. ۹(۳۳)، صص ۸۷-۱۰۹. بازیابی از: <http://kalam.saminattech.ir/Article/13980118178511>
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صفوی، سید یحیی و فرشچی، علیرضا (۱۳۹۰). *تروریسم؛ مفهوم‌شناسی و مبانی نظری (بازاندیشی تروریسم با رویکرد نظامی)*. تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.
- عباسی شوازی، علی (۱۳۸۶). رابطه جغرافیا و امنیت با تأکید بر نقش و کارکرد نیروی انتظامی. *فصلنامه دانش انتظامی*. ۹(۸۴)، صص ۶۱-۸۴. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=91995>
- فتحی، یوسف (پاییز ۱۳۹۴). ماهیت، زمینه‌ها و اهداف تروریسم مدرن در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. ۵(۱۶)، صص ۶۴-۴۷.

بازیابی از: https://rjir.basu.ac.ir/article_1244.html

- قادری، روح‌الله (۱۳۹۰). تروریسم؛ مفهوم‌شناسی و مبانی نظری (درآمدی بر مؤلفه‌های تروریسم شناسی). تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.
- قیطاسی، حسن رضا و اسداللهی، حسن (۱۳۹۶). آشنایی با گروه‌های تروریستی (تکفیری و معاند) در مرزهای شرقی کشور. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- مظفری، محمدحسین و ضمیریان، محمدحسین (۱۳۹۰). تروریسم؛ مفهوم‌شناسی و مبانی نظری (جایگاه ادیان در ائتلاف جهانی علیه تروریسم). تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.
- موسوی، سید یوسف؛ قاسم‌زاده بجندی، پرویز؛ فنازاد، رضا و کیانی، جواد (بهار ۱۳۹۶). ماهیت اقدامات گروهک‌های تروریستی در مرزهای استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای پیشگیرانه. فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس. ۷(۲۹)، صص ۶۶-۱۰۳. بازیابی از:

http://interpol.jrl.police.ir/article_12919.html

- نایب پور، محمد و نایب پور، علی (۱۳۹۱). تروریسم سایبری؛ راه‌های پیشگیری و مقابله. نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. بازیابی از: <https://b2n.ir/435908>

منابع انگلیسی

- Bjorgo, Tore (2005). *Root causes of Terrorism: Myths, Reality, and Ways Forward*, London.
- Rebouleski, Zarkhvf (2006). revolutionary developments in Central Asia and its impact on the northeastern frontier of Iran from 1921 to 1917, border security magazine, N,5, Issue 15.
- Schmid, A. P. (1988). *Research on Gross Human Rights Violations: A Programme*. Center for the Study of Social Conflicts, University of Leiden, the Netherlands
- Keenan, John P. (1987). 'A New Perspective on Terrorism: Theories and Hypotheses'. Paper presented at the annual meeting of the American Society of Criminology, Montreal. Retrieved from: http://scholar.google.com/scholar_lookup.
- Lizardo, O. (2008). Defining and Theorizing Terrorism: A Global Actor-Centered Approach. *Journal of World-Systems*

Research, 14(2), 91-118. Retrieved from:

<https://doi.org/10.5195/jwsr.2008.341>.

- Austin T. Turk (2004). The sociology of terrorism, Vol. 30:271-286 (Volume publication date 11 August 2004) First published online as a Review in Advance on March 9, 2004w of Sociology.